فتیشیسم در موسیقی
و واپس‌روی شنیدن

تئودور آدورنو

مترجم
سارا اباذری

www.ketab.ir

نشر ماهی
تهران
۱۳۹۷

Theodor W. Adorno
"Über den Fetischcharakter in der Musik und Regression des Hörens"
in
Tiedemann, Rolf (Hrsg): *Gesammelte Schriften*. Band 14. Dissonanzen.
Frankfurt a. M., Surkamp, 1973

✦

Translated by Sara Abazari

www.ketab.ir

سرشناسه:	آدورنو، تئودور، ۱۹۰۳- ۱۹۶۹م. Adorno, Theodor
عنوان و پدیدآور:	فتیشیسم در موسیقی و واپس‌رو... تئودور آدورنو؛ ترجمه‌ی سارا اباذری.
مشخصات نشر:	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۶۸ص.
شابک (ISBN):	978-964-209-313-7
یادداشت:	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
یادداشت:	عنوان اصلی:
	"Über den Fetischcharakter in der Musik und Regression des Hörens"
موضوع:	بت‌وارگی در هنر.
موضوع:	موسیقی ــ قرن ۲۰م. ــ تاریخ و نقد.
موضوع:	موسیقی ــ جنبه‌های اجتماعی.
شناسه‌ی افزوده:	اباذری، سارا، ۱۳۵۵- ، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ ۴آ۲۳ب /N۸۲۱۷
رده‌بندی دیویی:	۷۰۹/۰۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۴۶۵۸۹۴۳

۱۹۱۸۵۳۷
۹۷/۱۲/۱۹

فتیسم در موسیقی
...س(ه)ی شنیدن

نویسنده تئودور آدورنو
مترجم سارا اباذری
(عضو هیئت ...می دانشگاه تهران)

✦

چاپ اول زمستان ۱۳۹...
تیراژ ...۰ نسخه

✦

مدیر هنری ح... سجادی
ناظر چاپ مصطفی حسین...
حروف‌نگار ...
لیتوگرافی گرافیک‌گستر
چاپ جلد صنوبر
چاپ متن و صحافی آرمانسا

✦

شابک ۷-۳۱۳-۲۰۹-۹۶۴-۹۷۸
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵۱۸۸۰
www.nashremahi.com

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

به یاد هرمین

آدورنو فتیشیسم در موسیقی و واپس‌روی شنیدن را در سال ۱۹۳۸ در زمانی که، پس از روی‌کارآمدن نازیسم در آلمان، به امریکا پناه برده بود و در دانشگاه پرینستون درباره‌ی تأثیر رادیو بر جوامع مدرن تحقیق می‌کرد. این متن در همان سال در جلد هفتم مجله‌ی تحقیقات اجتماعی[1] در پاریس منتشر شد. نسخه‌ی بازنویسی‌شده‌ی آن، که مبنای ترجمه‌ی حاضر است، با تغییراتی جزئی در سال ۱۹۵۶ به چاپ رسید، همراه با سه مقاله‌ی دیگر و در مجموعه‌ای تحت عنوان دیسونانس‌ها، موسیقی در جهان اداره‌شده[2]. علاوه بر این مجموعه، بخش مهمی از نوشته‌های آدورنو درباره‌ی موسیقی در کتاب‌های زیر منتشر شده است: شکل صوتی[3]؛ کورپتیتور وفادار، درس‌گفتارهایی در باب پراتیک موسیقایی[4]؛ همانند خیال[5]؛ لحظات موسیقایی[6]؛ و امپرومپتوس[7]. مجموعه‌ی منشور[8] نیز، در

1. *Zeitschrift für Sozialforschung*, 1938, Jg. 7, 321.
2. *Dissonanzen, Musik in der verwalteten Welt*, 1956, Göttingen, Vandenhoeck & Ruprecht.
3. *Klangfiguren*, 1959, GS, Bd. 16, 7-248.
4. *Der getreue Korrepetitor, Lehrschriften zur musikalischen Praxis*, 1963, Frankfurt a. M., S. FischerVerlag.
5. *Quasi una fantasia*, 1963, GS, Bd. 16, 249-540.
6. *Moments musicaux*, 1964, GS, Bd. 17, 7-161.
7. *Impromptus*, 1968, GS, Bd. 17, 163-345.
8. *Prismen*, 1955, GS, Bd. 10, 1, 9-287.

www.ketab.ir

کنار موضوعات دیگر، حاوی چند مقاله‌ی مهم درباره‌ی موسیقی است. آدورنو همچنین در قالب تک‌نگاری‌هایی به بررسی موسیقی آهنگسازان مختلفی چون واگنر، برگ و مالر پرداخت و کتاب مشهورش، **فلسفه‌ی موسیقی نو**[1]، تلاشی است برای بسط ایده‌های اصلی کتاب **دیالکتیک روشنگری**[2]، بر اساس تحلیلی از موسیقی شونبرگ و استراوینسکی. آدورنو تحقیق ناتمامی نیز درباره‌ی بتهوون از خود به جای گذاشت که چند دهه پس از مرگش، تحت عنوان **بتهوون، فلسفه‌ی موسیقی**[3]، انتشار یافت. مجموعه‌ی نوشته‌های فوق طیف گسترده‌ای از مسائل تکنیکی، زیباشناختی، فلسفی، تاریخی و اجتماعیِ موسیقی را در بر می‌گیرد. آدورنو برای اولین بار در سال ۱۹۳۲ در مقاله‌ی «درباره‌ی وضعیت اجتماعی موسیقی»[4] به رابطه‌ی موسیقی و جامعه پرداخت. بعدها جامعه‌شناسی موسیقی به یکی از محورهای اصلی تحقیقات وی بدل شد. در سال ۱۹۵۸، در مقاله‌ی «ایده‌هایی درباره‌ی جامعه‌شناسی موسیقی»[5]، اصول بنیادین نظریه‌اش را تبیین کرد و مجموعه‌ی درس‌گفتارهایش در دانشگاه فرانکفورت (۱۹۶۱ـ۱۹۶۲) که بعدها در کتابی با عنوان **درآمدی بر جامعه‌شناسی موسیقی: دوازده درس‌گفتار نظری**[6] به چاپ رسید، نمودی‌ست از این رویکرد درباره‌ی موضوعات مختلفی چون انواع رفتارهای موسیقیایی، موسیقی به‌مثابه‌ی

---

1. *Philosophie der neuen Musik*, 1949, GS, Bd. 12.
2. *Dialektik der Aufklärung*, 1944, GS, Bd. 3.
3. *Beethoven, Philosophie der Musik*, 2004, Frankfurt a. M., Suhrkamp.
4. "Zur gesellschaftliche Lage der Musik", 1932, in *Zeitschrift für Sozialforschung*, Jg. 1, 103-356.
5. "Ideen über Soziologie der Musik", 1958, in *Gesellschaft Schweizer Monatshefte*.
6. *Einleitung in die Musiksoziologie, Zwölf theoretische Vorlesungen*, 1968, Reinbek bei Hamburg, Rowohlt.

www.ketab.ir

ایدئولوژی و رابطه‌ی آن با طبقات و اقشار اجتماعی، نقد موسیقی و غیره.

چنان‌که اشاره شد، فتیشیسم در موسیقی و واپس‌روی شنیدن از اولین آثار آدورنو درباره‌ی موسیقی به شمار می‌رود. این مقاله به تحلیل دو فرآیند کلیدی می‌پردازد که با گذشت هشتاد سال هنوز هم جزو مشخصه‌های اصلی حوزه‌ی موسیقی هستند (و نمودهایشان هم‌اکنون در حوزه‌ی موسیقی ایران نیز مشاهده می‌شود). از یک سو، آدورنو با استفاده از دستگاه نظری، مقوله‌ها و تحلیلی برگرفته از مارکس، تغییر کارکرد موسیقی و تبدیل‌شدن آن به کالا را بررسی می‌کند و مکانیسم‌ها و تحولاتی را روشن می‌سازد که آثار موسیقیایی، هنگام بدل‌شدن به تولیدات انبوه بازاری، به آن‌ها دچار می‌شوند. از سوی دیگر، تحت تأثیر نظریه‌ی فروید، نقش این موسیقی کالایی‌شده را در چگونگی شنیدن موسیقی آشکار می‌کند که نتیجه‌اش «واپس‌روی» و «سکون در مرحله‌ی کودکی» است. آدورنو این تحلیل را با روشی دیالکتیکی انجام می‌دهد، روشی که، به‌ویژه در عرصه‌ی موسیقی، آثار او را بدل به آلترناتیوی در مقابل دو دیدگاه رایج در این عرصه می‌کند: از یک سو، در برابر دیدگاه و کنش سیاسی-اجتماعی‌ای مبتنی بر سیستمی ویژه که از برون‌کاوی‌های خاصی را بر آثار و پراتیک‌های موسیقیایی تحمیل می‌کند (مثلاً در حوزه‌ی موسیقی ایران، اصطلاحاتی چون «ایرانیّت»، «سنّت» و «اصالت»، بنا بر شرایط تاریخی-اجتماعی و همچنین اراده و تصمیم‌های قدرت حاکم، بر محتوای تحلیل موسیقی چیره می‌شوند)؛ و از سوی دیگر، در برابر دیدگاهی نسبی‌انگارانه، دیدگاهی که آثار موسیقیایی را در نهایت موضوع ذوق فردی می‌داند و هرگونه داوری را مردود می‌شمارد، چه در باب کیفیت این آثار

www.ketab.ir

و خوب و بدبودن آن‌ها و چه در باب این‌که آیا اساساً در موسیقی چیزی تحت عنوان حقیقت و کذب وجود دارد یا نه. از نظر آدورنو، رویکرد دیالکتیکی همان به کارگیری مستمر روش نقد درونی است، شیوه‌ای که، با اتکا بر این باور که معیارها و سنجه‌های اثر از درون آن برمی‌آیند، به خود ذات اثر می‌پردازد و در نتیجه مضمون حقیقی آثار را در بطن آن‌ها جست‌وجو می‌کند.

بنا بر این روش است که آدورنو، در بخش اول متن، فرآیند فتیشیسم را به طور مشخص در سه عرصه‌ی صدا، ساز و آثار بررسی می‌کند و نشان می‌دهد مکانیسم‌هایی که فرآیند کالایی‌شدن موسیقی را محقق می‌سازند نه‌فقط بر موسیقی «سرگرم‌کننده»[۱]، بلکه بر کلیه‌ی آثار فرهنگی رنگ می‌اندازند. پس از آن‌که آثار فرهنگی تبدیل به کالا شدند، مثلاً بر حسب «موسیقی کلاسیک» بر آن‌ها زده شد، کارکردشان نیز تغییر می‌یابد. نمونه‌ای از این تحولْ پراتیکِ تنظیم است. آدورنو با تکیه بر تحلیل موسیقیایی توضیح می‌دهد که چگونه پراتیکِ تنظیم آثار فرهنگی (مثلاً برای رویدادها و مراسم مختلف تاریخی-اجتماعی)، با دستکاری در زمان و رنگ (با سازبندی متفاوت)، بر بافت درونی اثر چنگ می‌اندازد و وحدت کل آن را نابود می‌سازد، چند قسمت جذاب را با تزئیناتی برجسته می‌کند و با رنگ‌های اغراق‌آمیزی آن‌ها را ملموس‌تر به اصطلاح خودمانی می‌سازد، چنان‌که اثر تنظیم‌شده از درون «مضمحل» و در نهایت «شیءواره» می‌شود.

در بخش دوم متن، آدورنو به رابطه‌ی میان «فتیشیسم موسیقی»

---

۱. Unterhaltungsmusik. آدورنو در متن حاضر برای تعریف این نوع موسیقی از اصطلاحات دیگری نیز استفاده می‌کند، اصطلاحاتی چون موسیقی سبُک (Leichte Musik)، ترانه‌ی محبوب (Schlager)، موسیقی مردمی (Populären Musik) و موسیقی توده‌ای (Massenmusik). او جاز را نیز در این گروه قرار می‌دهد.

www.ketab.ir

و «واپس‌روی شنیدن» می‌پردازد. به گمان او، در ساختاری که در آن موسیقی به‌مثابه‌ی کالا عرضه می‌شود، سوژه‌های شنونده تسلیم آن چیزی می‌شوند که تبلیغات به آنان تحمیل می‌کند. در این فرآیند، آن‌ها به‌واقع آزادی انتخاب را از دست می‌دهند و دیگر قادر به شناخت آگاهانه‌ی موسیقی نیستند. در نتیجه، شنوایی‌شان واپس می‌رود و در مرحله‌ای کودکانه تثبیت می‌شود. البته هستند کسانی که برای رهایی از وضعیت انفعالی خود تلاش می‌کنند، اما آنان نیز فقط به «شبه‌فعالیت» می‌پردازند. آدورنو در این متن سه نوع رفتار شنوندگانی را که به «شبه‌فعالیت» فروافتاده‌اند ترسیم می‌کند و در نهایت یگانه مسیر برای پایان‌دادن به این مرحله‌ی «فاجعه‌آمیز» را، که در آن موسیقی بُعدی «مسخره» به خود می‌گیرد، نوعی ایستادگی رادیکال در مقابل «واپس‌روی شنیدن» می‌داند و به این ترتیب راه‌حل را در پرداختی موسیقی رادیکال، به‌ویژه در آثار موسیقیدانانی چون مالر، شونبرگ و وبرن، می‌جوید.

در جریان ترجمه و تحلیل متن حاضر، به منطقی منسجم و دقیق در شیوه‌ی نگارش و استدلال آدورنو پی بردم که تداعی‌کننده‌ی تکنیک‌های ساخت موسیقی بود.[۱] در رمینه‌ی فرم، ساختاری کمابیش متقارن بین دو بخش اصلی متن آدورنو برقرار دارد. از مجموع بیست و سه پاراگراف تشکیل‌دهنده‌ی کل متن، ده پاراگراف آغازین به موضوع افول ذوق موسیقیایی و پیشینه‌ی تاریخی آن می‌پردازد و پاراگراف‌های سه تا سیزده (یعنی ده پاراگراف) به

---

۱. دیتر شنبل، آهنگساز آلمانی، نیز به «فرم‌بخشی زبانی موسیقی» در آثار آدورنو اشاره کرده و مشخصاً قطعه‌ی ۷۸ «برفراز کوه‌ها» از اخلاق صغیر را از این زاویه بررسی کرده است.
Dieter Schnebel, 1971, "Komposition von Sprache – sprachliche Gestaltung von Musik in Adornos Werk", in Schweppenhäuser, Hermann (Hrsg.): *Theodor W. Adorno zum Gedächtnis. Eine Sammlung*, Frankfurt a. M.: 129-145.

www.ketab.ir

تم اول، یعنی فتیشیسم در موسیقی، اختصاص یافته‌اند. همچنین، پاراگراف‌های سیزده تا بیست و دو (یعنی نُه پاراگراف) به تم دوم، یعنی «واپس‌روی شنیدن»، و دو پاراگراف آخر (همچون کُدایی موسیقیایی[۱]) به نتیجه‌گیری می‌پردازند. این پاراگراف‌ها، همچون بخش‌های مختلف تشکیل‌دهنده‌ی قطعات موسیقی، بر اساس منطق و نظمی خاص در هم تنیده‌اند و به هم پیوند خورده‌اند. در آهنگسازی[۲]، تکنیک‌های متفاوتی برای فرم‌بخشی به روندهای مختلف و برقراری ارتباط میان آن‌ها وجود دارد. این تکنیک‌ها، همچون اریاسیون، تکرار، کوتاه کردن و بسط‌دادن تم‌ها و موتیف‌ها و برقراری تنش میان بخش‌های متفاوت و ایجاد حلقه برای گذار از بخشی به بخش دیگر همگی تحت عامل زمان عینیت می‌یابند. در موسیقی، عامل زمان این امکان را فراهم می‌کند تا روندهای حاضر به آینده، یعنی آنچه خواهد آمد، ارجاع دهند و یا آنچه را در گذشته رخ داده یادآوری کنند. می‌توان همچون تکنیک‌هایی را در مقاله‌ی حاضر نیز دید. مثلاً آدورنو در انتهای پاراگراف چهارم که موضوع اصلی آن «لذت‌بردن از هنر» و انتقاد از تقسیم‌بندی رایج موسیقی به دو حوزه‌ی به‌ظاهر متفاوت است، تم جدیدی را بیان می‌کشد و آن «حذف فرد» است. او چند صفحه بعد، یعنی در پاراگراف هشتم، دوباره آن را برجسته می‌کند و به‌تفصیل بدان می‌پردازد. چنین روابطی نه‌فقط میان پاراگراف‌های یک بخش، بلکه میان اجزای دو بخش اصلی متن نیز وجود دارد. مثلاً موضوع «شبه‌فعالیت» برای اولین بار در بخش اول، پاراگراف دهم، تحت عنوان «فعالیت کاذب شنوندگان امروزی»، مطرح می‌شود و سپس، در بخش دوم، کل

---

۱. Coda: قسمتی که قطعه‌ی موسیقی را به پایان می‌برد و جمع‌بندی می‌کند.
۲. Komposition: ترکیب.

www.ketab.ir

پاراگراف هجدهم را به خود اختصاص می‌دهد. اما گاهی آدورنو موضوع پاراگراف بعدی را به‌اختصار در چند سطر آخر پاراگراف پیشین مطرح می‌کند و سپس دوباره از زاویه‌ای کاملاً تازه به بررسی آن می‌پردازد. چنین است که او، در پاراگراف چهاردهم، پس از شرح مکانیسم تبلیغات، به موضوع توالی فراموشی و خاطره می‌پردازد و در پاراگراف بعدی آن را ذیل موضوع تمرکززدایی شنوندگان بسط می‌دهد، فرآیندی که فراموشی و بازشناسی ناگهانی موسیقیِ توده‌ای در پرتو آن محقق می‌شود و آدورنو از این رهگذر دو پاراگراف فوق را به هم پیوند می‌دهد.

در مجموع، شبکه‌ی روابطی میان سطوح مختلف متن وجود دارد که به آن انسجام و هنجار می‌بخشد. از این منظر، می‌توان در این متن سه سطح اساسی را (که همچون کنترپوانی سه‌صدایی در موسیقی) از هم تمییز داد: در سطح زیرین، پراتیک‌ها و تکنیک‌های متداول «عینی» در موسیقی در دو حوزه‌ی به‌ظاهر متفاوت (موسیقی «جدی» و موسیقی «سرگرم‌کننده») تشریح می‌شوند و نویسنده به تبیین مکانیسم‌ها و ارزش‌هایی می‌پردازد که سازوکار سرمایه‌داری بر موسیقی تحمیل می‌کنند؛ در سطح میانی، آدورنو از سویه‌ی «واقعی» این ساز و کار پرده برمی‌دارد و در عین حال از این منظر کنش عمومی افراد جامعه، از جمله در قالب «شبه‌فعالیت»، نیز نحوه‌ی عملکرد فتیش‌ها تحلیل می‌کند؛ بالاخره، در سطح برین که بازتاب دو سطح پیشین در عرصه‌ی نظری است، عینیت و نیز واقعیتِ تعمیم‌یافته‌ی آن در چارچوب مفاهیم و مقوله‌های تئوریک پدیدار می‌شود، به‌ویژه در جامه‌ی دو مفهوم کلیدی «فتیشیسم در موسیقی» و «واپس‌روی شنیدن».

ترجمه‌ی حاضر از متن آلمانی صورت گرفته و با ترجمه‌ی نسبتاً

www.ketab.ir

آزاد آن به انگلیسی[1] و نیز با ترجمه‌ی بسیار دقیق آن به زبان فرانسه[2] مطابقت داده شده است.

نوشته‌های بابک احمدی و مراد فرهادپور درباره‌ی مکتب فرانکفورت اولین آثاری بودند که مرا با تفکر آدورنو آشنا کردند. ترجمه‌ی این مقاله بدون این پیش‌زمینه بس دشوار می‌بود. در همه‌ی مراحل این ترجمه، یوسف اباذری و رامین معتمدنژاد مرا یاری کردند. از هر دو آن‌ها سپاسگزارم. از مهدی نوری نیز که مسئولیت ویراستاری متن را بر عهده گرفت متشکرم.

سارا اباذری
پاییز ۱۳۹۷

www.ketab.ir

1. "On the fetish character in music and the regression of listening", 1978, Translator unacknowledged, in *The Essential Frankfurt School Reader*, Ed. Andrew Arato and Eike Gebhardt, Basil Blackwell, Oxford, 270-99.

2. *Le caractère fétiche dans la musique*, 2015, Traduction de Christophe David, Paris, Allia.